

«زن و مطالعات خانواده»

سال دوم- شماره پنجم- پاییز ۱۳۸۸

ص ص ۸۶-۶۷

رابطه بین اشتغال مادران و رشد اجتماعی فرزندان

ندا فدایی^۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین اشتغال مادران و رشد اجتماعی فرزندان ایشان در مهدهای کودک شهر کرمان در سال ۱۳۸۸ انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق حاضر کودکان مهدکودکی شهر کرمان بود که از بین آنها ۴۰۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. برای سنجش رشد اجتماعی کودکان از مقیاس رشد اجتماعی واینلند استفاده شد. روش تحقیق از نوع همبستگی بوده و اشتغال مادران متغیر ملاک و رشد اجتماعی متغیر پیش بین است. پس از جمع‌آوری اطلاعات از آمار توصیفی همچون میانگین و مد و آمار استنباطی یعنی ضریب همبستگی اسپیرمن با استفاده از نرم افزار SPSS11 بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که بین شیفت کاری و ساعات بودن مادران در کنار کودکانشان با رشد اجتماعی فرزندان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال مادران / رشد اجتماعی کودکان / مهدکودک

- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت (rose_fadaee@yahoo.com)

مقدمه

دست آوردهای علمی سالهای اخیر کنجکاوی انسان را بیشتر کرده است. انسان هر چه بیشتر می آموزد، کمتر می داند. به خصوص در مسائل علوم انسانی و در این قرن انسان بیشتر به سرنوشت و آینده کودکان خود توجه می کند و به همین علت نیز در هیچ یک از زمانها تا به این حد معلومات خود را ناقص نیافته است (گیدنز^۱، ۱۳۷۷، ۷۰). در زمان ما دگرگون شدن پی در پی چهره جوامع از طرفی و هشدارهای علم روانشناسی از طرف دیگر، والدین و مربیان را به شگفتی وا داشته است. امروز با کشف جواب هر سؤال راجع به رشد و پرورش کودک، صدها سؤال تازه تر فرا روی محققان نهاده می شود و آنها را به تکاپو و کنجکاوی بیشتر وا می دارد. پدر و مادر در عصر ما، آگاهی کمی در پاسخ به بسیاری از سؤالات مربوط به پرورش و تکامل فرزندان خود دارند. آنها می خواهند بدانند که تا چه اندازه می توانند در این تغییرات دخالت داشته باشند و نگران مخاطرات احتمالی رشد فرزندان خود هستند و آرزو دارند با آمادگی قبلی، علاج واقعه را قبل از وقوع علاج کنند.

با توجه به تعریف رشد اجتماعی که عبارت است از: تکامل روابط اجتماعی فرد (احدی، ۱۳۷۸، ۲۳۵)، رابطه بین مادر و کودک معمولا در طی مراحل نخستین زندگی کودک دارای اهمیت بسیار زیادی است.

تحقیقات نشان می دهد که اگر این رابطه به هر طریقی آسیب پذیرد، نتایج وخیمی می تواند به بار آید و اگر کودک خردسالی رابطه نزدیکی با مادرش نداشته باشد در مراحل بعدی زندگی دچار آشفتگی های مهم شخصیتی رنج خواهد بود، که رشد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد شخصیت می تواند یکی از این موارد باشد (گیدنز، ۱۳۷۷، ۷۴). در هنگام تولد هیچ کودکی موجود اجتماعی نیست بلکه در اثر تماس با افراد، سلوک با دیگران و سازگاری اجتماعی را می آموزد و به همین دلیل بزرگتران هدایت و راهنمایی کودک را به عهده می گیرند (احدی، ۱۳۷۸، ۲۳۶).

¹ - Antony Giddens

خانواده یکی از اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین نهادهای اجتماعی است که فرد در آن پا به عرصه وجود می‌گذارد، رشد می‌کند و خود را برای حضور در جامعه و آغاز زندگی اجتماعی آماده می‌نماید. زن به عنوان یکی از دو رکن اساسی خانواده از نظر سنتی دارای دو نقش اصلی همسری و مادری می‌باشد که این دو نقش با توجه به ویژگیهای فیزیکی و روانی زن، وظایفی را بر دوش او می‌گذارد. مدیریت خانه و خانواده، نگهداری و تربیت فرزند و ایجاد محیط عاطفی گرم در خانواده از وظایف زن محسوب می‌شود و او در صورت فراهم بودن سایر شرایط و امکانات، می‌تواند فرزندان سالم و موفق را تربیت نموده، بدین ترتیب سلامت جامعه را نیز تضمین نماید (مولوردی و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۲).

اشتغال زنان، ضرورتها و انگیزه‌ها و تاثیراتی بر محیط خانواده به ویژه فرزندان می‌گذارد و به خصوص تأثیر اشتغال مادر در سالهای اولیه زندگی کودک بر روند رشد اجتماعی دهه‌های اخیر و به موازات حضور سازمان یافته‌تر زنان در مشاغل خارج از خانه، مورد توجه کارشناسان مسائل اجتماعی و تربیتی قرار گرفته است. هر کسی در مورد تأثیرات اشتغال مادران بر کودکان نظری دارند. وجود یا عدم این تأثیرات به جنسیت و طبقه اجتماعی کودک بستگی دارد (کاپلان^۱، ۱۳۸۱: ۴۴۰).

در جوامع امروز بسیاری از زنان شاغل بوده، شغل خود را برای کسب درآمد، ارتباط با تخصص و رشته تحصیلی یا تنها لذت بردن از کار انتخاب کرده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که درصد قابل ملاحظه‌ای از زنان شاغل بنا به دلایل مختلف مجبورند چند ماه پس از تولد نوزادشان به محل کار خود بازگردند. ضمن اینکه مادران شاغل مسؤولیت سنگین‌تری دارند و باید هم در داخل و هم خارج از منزل وظایف خود را به بهترین نحو انجام دهند. حال اگر در این میان، نکات لازم برای تعادل میان این دو را رعایت نکنند، به مرور دچار فرسایش روحی و جسمی شده و خود و فرزندانشان با مشکلاتی روبرو می‌شوند. از این رو این مادران باید با مواردی آشنا شوند تا در صورت شاغل بودن، بتوانند

¹ - Kaplan Paul .S

میان محیط خانه و کار تعادل ایجاد کنند. بدیهی است که زنان دارای نقشی سازنده در عرصه‌های مختلف زندگی هستند و البته مسؤولیت زانی که علاوه بر وظایف خانه‌داری، مشاغل اجتماعی نیز دارند، بیشتر است (محمدی، ۱۳۸۸، ۱).

علاوه بر این مهم‌ترین وظیفه یک مادر شاغل، همسررداری و تربیت فرزندان سالم و صالح است. کودکان، سرمایه‌های فردای جامعه هستند و حساس‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه اجتماع را تشکیل می‌دهند. از این رو در شرایط کنونی که نیاز به حضور فعال‌تر و موثرتر زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی محسوس است، نقش و کارکرد مهدهای کودک در زمینه رشد شناختی و اجتماعی کودکان و تعلیم و تربیت، بیش از پیش اهمیت یافته است (کاپلان، ۱۳۸۱، ۴۴۶).

میزان رشد اجتماعی کودک از طریق شرکت در امور جمعی به الگوی رفتار اجتماعی که پدر و مادر به او داده اند بستگی دارد. رشد اجتماعی کودکانی که در فعالیتهای اجتماعی از سوی خانواده محدود شده اند به مراتب کمتر از کودکانی بوده است که از شرایط مناسب‌تر و آزادی بیشتر بهره مند بوده اند. عدم رشد اجتماعی کودک به علت کمبود تماس با دیگران موجب کاهش تمایل و تماس با مردم، بی‌علاقگی به زندگی اجتماعی، تضعیف نیروی ابتکار و ناتوان جلوه گر شدن کودک در طرح زندگی آینده می‌شود (احدی، ۱۳۷۸: ۲۳۷-۲۳۶).

تحقیقات نشان می‌دهند که بی‌توجهی مادر در سالهای نخست زندگی کودک، به دلیل اشتغال و در نتیجه سپردن کودک به مهدهای کودکها بر فرزندان پسر تأثیر نسبتاً منفی بر جا می‌گذارد. در حالی که دختران مادران شاغل در مقایسه با دختران مادران غیرشاغل، از وضعیت تحصیلی، اعتماد به نفس، و پیشرفت درسی بهتری برخوردارند و در دنبال کردن مشاغل مختلف، موفق‌ترند (نوابی نژاد، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۲). با در نظر گرفتن اهمیت وجود مادر به خصوص در سنین کودکی، بایستی رشد اجتماعی کودک مورد بررسی قرار گیرد.

سؤالی در اینجا مطرح می‌باشد این است که، آیا شغل مادران ارتباطی با رشد اجتماعی فرزندانشان دارد؟

اشتغال زنان، ضرورتها و انگیزه‌ها و تأثیراتی که بر محیط خانواده به ویژه فرزندان می‌گذارد و تأثیر اشتغال مادر در سالهای اولیه زندگی کودک بر روی رشد اجتماعی در دهه‌های اخیر و به موازات حضور سازمان یافته‌تر زنان در مشاغل خارج از خانه مورد توجه کارشناسان مسائل اجتماعی و تربیتی قرار گرفته است. داشتن انگیزه صرفاً مالی و عدم احساس رضایت از شغل توسط زنان و انجام کارهای معمولی بدون بازده فرهنگی و شکل‌گیری شخصیت، نه تنها موجب افزایش اطلاعات و آگاهی آنها به زندگی و اجتماع نمی‌شود بلکه به دلیل احساس تعارضی که بین نقش مادری و شاغل بودن پیش می‌آید، مادر غالباً دچار مشکل می‌گردد. هافمن می‌نویسد، وقتی که اشتغال مادرانی که فرزند کوچک دارند در نظر آورده می‌شود، اولین چیزی که به ذهن می‌آید تأثیر منفی است که بر رشد اجتماعی و شناختی کودکان آنها دارد (اتکینسون^۱ و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

وقتی کودک به دو سالگی می‌رسد، فرآیند اجتماعی شدن را قبلاً آغاز کرده است. در اکثر جوامع، حدود دو سالگی است که کودک را از شیر می‌گیرند، از او می‌خواهند که بر نظافت خود کنترل داشته باشد، در غذا خوردن و تمیز بودن، رفتارهای مورد قبول نشان دهد و بیش از پیش خود مختار باشد. والدین کمتر آماده اند که به انتظارهای کودک بلافاصله پاسخ دهند، آنها انتظار دارند اوقات کافی را بهتر بپذیرند و منطقی‌تر باشند. همچنین آنها، در مقابل اعمال پرخاشگرانه کودک کمتر بردباری نشان می‌دهند. علاوه بر خانواده، سایر اطرافیان، مخصوصاً کودکان دیگری که در همسایگی، مهدکودک و مدرسه دیده می‌شوند، بیش از پیش بر فرآیند اجتماعی شدن اثر می‌گذارند. بنابراین عوامل مختلفی رشد اجتماعی کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهند. انسان موجودی اجتماعی است که با انواع نیازهای اولیه و ثانویه به زندگی اجتماعی خود ادامه می‌دهد. پژوهشگران در تلاش برای توجیه تفاوت‌های کودکان در زمینه دلبستگی، بیشترین توجه خود را معطوف مراقب اصلی کودک کرده اند که

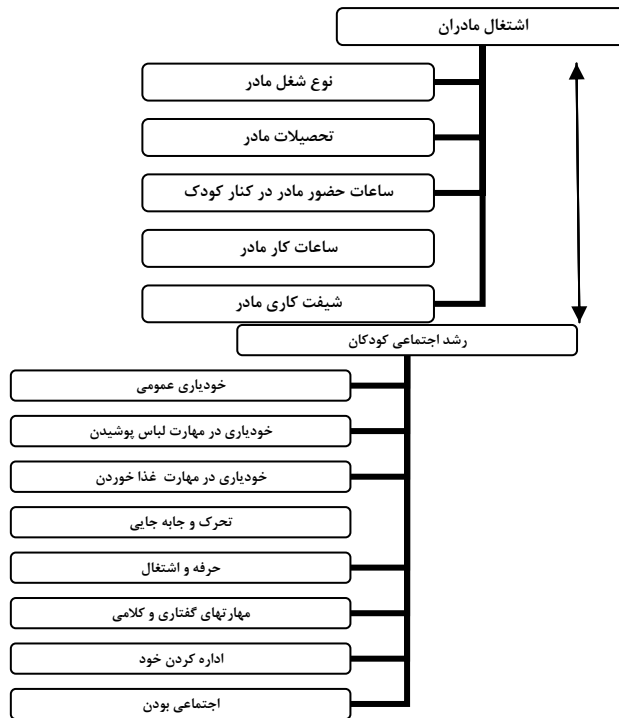
^۱ - Atkinson, Rita.L

معمولاً مادر است و این نظر در رفتار اجتماعی آینده کودک تأثیر زیادی دارد (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۲۳). بر اساس این دیدگاه کودک نیاز مبرمی به وجود و حضور مادر دارد و در صورت عدم حضور وی آسیب می بیند.

رشد اجتماعی، تکامل روابط اجتماعی فرد است. رشد اجتماعی مستلزم هماهنگی با گروه اجتماعی و پیروی از هنجارها (موازیان سلوک اجتماعی) و سنتهای آن است. احساس وحدت با گروه اجتماعی، درک روابط متقابل بین اعضای آن و همکاری با دیگران از دیگر ملزومات رشد اجتماعی است (احدی، ۱۳۷۸: ۲۳۵).

با توجه به چارچوب نظری پژوهش مدل تبیینی زیر استخراج شد:

مدل تبیینی پژوهش :



علی رغم مسئله مهم رشد اجتماعی کودکان، تاکنون پژوهش‌های اندکی در زمینه موضوع پژوهش حاضر انجام شده است. لذا در اینجا سعی شده است تاریخچه مختصری از تحقیقاتی که در این مورد انجام شده، بررسی شود.

یاریابی در پژوهشی تأثیر اشتغال مادران بر رشد شناختی و اجتماعی کودکان دبستانی را مورد تحلیل قرار داد. هدف تحقیق وی مقایسه رشد شناختی و اجتماعی کودکان مادران شاغل و غیرشاغل در شهر شیراز بوده است. اشتغال مادر در سالهای اولیه کودکی تأثیر منفی در رشد اجتماعی کودک ندارد. تحلیل نتایج حاصل از مقیاس رشد اجتماعی واینلند این فرض را تأیید می‌کند. نتایج نشان داد که فرزندان مادران شاغل و غیرشاغل در نمرات مقیاس رشد اجتماعی واینلند تفاوت معنی داری وجود ندارد و تنها در زیر مقیاس خودیاری عمومی، پسران مادران شاغل به طور معنی دار از سه گروه دیگر تحقیق برتر بودند و این تفاوت در سطح $P < 0/023$ معنی دار بود ولی در دیگر مقیاس‌ها نیز تفاوت معنی داری بین میانگین نمرات چهار گروه آزمودنی نبود و بعضی مواقع این شباهت‌ها به سوی برابری نتایج بین این گروه‌ها تمایل داشت. از جمله در زیر مقیاس مهارت‌های گفتاری و مهارت لباس پوشیدن بین دختران مادران شاغل و غیرشاغل که میانگین نمرات این دو گروه با یکدیگر برابر بود. علت برتری پسران مادران شاغل در زیر مقیاس خودیاری عمومی را می‌توان تمایل این گروه به استقلال خود گرایی دانست، یا احتمالاً به این دلیل که بتوانند بیشتر مورد توجه والدین به خصوص مادر قرار گیرند سعی می‌کنند کارهای شخصی خود را بیشتر خود انجام دهند و کمتر وابسته به دیگران باشند.

روش آماری این تحقیق روش همبستگی پیرسون بوده است (یارائی، ۱۳۷۹: ۱).

در پژوهش بیابانگرد در خصوص آثار اشتغال مادر بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی کودکان نمونه دیگری از تحقیقات انجام شده در ایران است که در تهران انجام پذیرفته است. این تحقیق از یک نمونه یک صد نفری از دانش آموزان مختلف دوره سوم ابتدایی که مادران شاغل و خانه دار داشتند و به گونه‌ای تصادفی انتخاب شدند و رشد اجتماعی کودکانی که مادران شاغل

داشتند به طور معناداری بالاتر از کودکانی که دارای مادران خانه دار بوده است (بیابانگرد، ۱۳۸۶: ۴۶-۳۴).

بررسی مقایسه ای ویژگیهای شناختی، رفتاری و اجتماعی کودکان خیابانی و شبانه روزی شهر تهران تحقیق دیگری است که توسط انجمن علمی جامعه شناسی ایران در این زمینه صورت گرفته است. روش تحقیق از نوع شبه تجربی بوده است و جامعه آماری در این پژوهش، جامعه کودکان خیابانی و شبانه روزی (پسر) تهران بوده و از هر جامعه نمونه ای به تعداد ۳۰ نفر انتخاب شده است که در دامنه سنی (۷ تا ۱۵) سال قرار داشته اند. جمع آوری اطلاعات با استفاده از روشهای مشاهده و مصاحبه تنظیم یافته و در قالب سه پرسشنامه آزمون هوش و کسلر کودکان، مقیاس رفتار سازشی لمبرت و مقیاس رشد اجتماعی واینلند انجام گرفت. در سطح ویژگیهای اجتماعی بین میانگین نمرات کودکان خیابانی و شبانه روزی در مقیاس رشد اجتماعی واینلند تفاوت معناداری وجود دارد. میانگین نمرات کودکان خیابانی نسبت به کودکان شبانه روزی در سطح پایین تر قرار دارند. یعنی کودکان خیابانی نسبت به کودکان شبانه روزی از وجهه اجتماعی پایین تری در مقیاس رشد اجتماعی واینلند برخوردارند (انجمن جامعه شناسی ایران، ۱۳۸۴: ۱).

تحقیق دیگری توسط محمدی در زمینه ارتباط وزن هنگام تولد با رشد شناختی- اجتماعی کودکان ۵-۶ ساله صورت گرفته که هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین وزن هنگام تولد و رشد شناختی- اجتماعی کودکان ۵-۶ ساله بود. آزمودنی های این تحقیق ۵۳ کودک ۵-۶ ساله بودند که از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از مراکز بهداشتی درمانی شهرستان نجف آباد انتخاب شده بودند. به این تحقیق رشد شناختی (بهره هوش، رشد حافظه و رشد زبان) با استفاده از قسمت کلامی آزمون هوشی وکسلر پیش دبستانی و رشد اجتماعی با استفاده از آزمون رشد اجتماعی واینلند ارزیابی شدند. اطلاعات مورد نیاز در خصوص شغل پدر، ترتیب تولد، تحصیلات مادر، تک قلو بودن کودک، شهری و روستایی بودن کودک، طول دوران بارداری مادر و سن مادر هنگام بارداری، با استفاده از پرونده های خانوار کودکان جمع آوری شد. نتایج نشان

دادند که رابطه مثبت معناداری بین وزن هنگام تولد و رشد شناختی و همچنین رشد اجتماعی وجود دارد (محمدی، ۱۳۸۸: ۱).

بر اساس هدف این پژوهش یعنی شناسایی رشد اجتماعی کودکان با توجه به شاغل بودن مادران ایشان و عوامل مرتبط با آن، فرضیه‌های زیر تدوین شدند:

- اشتغال مادران با رشد اجتماعی کودکان ایشان ارتباط دارد.
- ساعات کار مادران با رشد اجتماعی کودکان ایشان ارتباط دارد.
- تحصیلات مادران با رشد اجتماعی کودکان ایشان.
- نوع شغل مادران با رشد اجتماعی کودکان ایشان.
- ساعات حضور مادران در کنار کودک با رشد اجتماعی کودکان ایشان مرتبط است.
- شیفت کاری مادران با رشد اجتماعی کودکان ایشان.

طرح پژوهش:

طرح تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی کودکان مهدکودکی شهر کرمان در سال ۱۳۸۸ است. با استفاده از فرمول کوکران، به تعداد ۴۰۰ نفر از بین کودکان مذکور که در سه گروه سنی ۲-۳، ۳-۴، ۴-۵ و ۵-۶ سال قرار گرفتند (لازم به ذکر است به دلیل اینکه کودکان ۲-۳ سال را بسیاری از مهدها قبول نکرده و کودکان ۵-۶ سال به مدارس معرفی می شدند در جامعه آماری تحقیق محسوب نشده اند) انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بود و نمونه تحقیق به گونه‌ای انتخاب شد که محقق مطمئن شود زیر گروه‌ها با همان نسبتی که در جامعه وجود دارند، به عنوان نماینده جامعه در نمونه نیز حضور داشته باشند (دلاور، ۱۳۸۵: ۱۲۵) و به تمامی مهدهای کودک شهر کرمان پرسشنامه ارسال و توسط مادران کودکان سؤالات پاسخ داده شدند.

ابزار این پژوهش، ابتدا پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که بر مبنای چارچوب نظری تحقیق تهیه شد. هدف آن بررسی وضعیت اشتغال مادران

کودکان مهدکودکی بود. در این پژوهش گویه های اصلی در سطح اسمی و ترتیبی سنجیده شد و متغیر رشد اجتماعی با استفاده از پرسشنامه مقیاس رشد اجتماعی واینلند مورد بررسی قرار گرفت .

برای سنجش روایی صوری پرسشنامه، پرسشنامه اعتبار در اختیار پنج نفر از صاحب نظران قرار گرفت و اصلاح نهایی بر اساس نظرات ایشان انجام شد. برای تعیین پایایی برای مقیاس با دوباره سنجی برای نمونه ۱۲ نفری ۰/۹۲ گزارش شده است. با این توضیح که فاصله اجرای آزمون اولیه و آزمون ثانویه یک ماه بوده است. داده های پژوهش توسط نرم افزار SPSS11 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

مقیاس رشد اجتماعی واینلند^۱ یکی از مقیاس هایی است که با میزان توانایی فرد در برآوردن نیازهای عملی خود و قبول مسؤولیت سروکار دارد و رشد اجتماعی افراد را با این مقیاس میتوان سنجید. اولین بار این مقیاس توسط فردی به نام ادگار اِدُل^۲ در سال ۱۹۳۵ در مدرسه آموزشی واینلند منتشر شد که برای سنجش رشد اجتماعی ارتش آمریکا در جنگ جهانی دوم مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس یک دوره سنی از هنگام تولد تا بالاتر از ۲۵ سالگی را در بر می گیرد. اساس مقیاس بر این امر استوار است که فرد در زندگی روزمره توانایی انجام چه کارهایی را در حد عادت و به طور معمول دارد. با توجه به پاسخی که پاسخگو به سؤال مورد نظر می دهد رتبه ای کسب می کند، از ۲- تا ۲+ که به صورت طیف پنج گزینه ای گویه ها رتبه بندی می شوند و جمع حاصل این رتبه های کسب شده سن اجتماعی فرد پاسخگو را نشان می دهد. این مقیاس را می توان به هشت طبقه تقسیم کرد که پاسخگو به هر بخش از طبقات فقط یک پاسخ می دهد. طبقات عبارتند از: خودیاری عمومی، خودیاری در مهارت لباس پوشیدن، خودیاری در مهارت غذاخوردن، تحرک و جابه جایی، حرفه و اشتغال، مهارتهای کلامی و گفتاری، اداره کردن خود و اجتماعی بودن می باشد. ابتدا

¹ - Vineland Social Maturity Scale

² -Edgar A.Doll

نمره خام سن اجتماعی^۱ را با استفاده از جدول آزمون رشد اجتماعی واینلند پیدا کرده (با نظر به توضیحات فوق) و بر سن تقویمی^۲ تقسیم و در صد ضرب کرده تا بهره اجتماعی هر فرد به دست آید. نتیجه این محاسبه نشان دهنده رشد اجتماعی وی است و میزانی بین ۰ تا ۱۰۰ درصد است. اگر فرد رتبه‌ای بین ۵۰-۰ درصد به دست آورد، دارای رشد اجتماعی پایین، ۷۵-۵۱ درصد رشد اجتماعی متعادل و از ۱۰۰-۷۶ درصد دارای رشد اجتماعی بالا می باشد (پرستار، ۱۳۸۸:۱). خودیاری عمومی: در این طبقه فعالیت‌هایی از قبیل نشستن، ایستادن بدون کمک دیگران، به جا آوردن آداب تواله و یا تشخیص زمان با ساعت و غیره می باشد. خودیاری در مهارت لباس پوشیدن؛ توانایی پذیرفتن مسئولیت شخص را در پوشیدن لباس و بهداشت شخصی است. خودیاری در مهارت غذا خوردن؛ افزایش تدریجی متناسب با سن فرد را در توانایی و پذیرفتن مسئولیت فرد در تغذیه خود. تحرک و جابه جایی؛ حرکاتی چون راه رفتن در خانه یا حیاط، به این طرف و آن طرف رفتن (برای سنین پایین تر) و بدون همراهی دیگران به محله‌های نزدیکتر محل سکونت و یا اطراف شهر رفتن (برای سنین بالاتر) می‌باشد. حرفه و اشتغال؛ سرگرم کردن خود بدون کمک دیگران، استفاده از اسباب بازی و انجام کارهای روزمره می باشد و در سنین بالاتر تمایل به استخدام در یک مؤسسه، ادامه تحصیل و انجام کارها در حد مهارت و علاقه به تفریحات و داشتن تخصص در یک رشته مشخص می باشد. مهارت‌های گفتاری و کلامی؛ برقراری ارتباط با دیگران به طرق مختلف برای رفع نیازهای اولیه، توانایی تفکیک صداها، درک اشارات و علائم و بیان جملات ساده در سنین پایین تر و توانایی فرد در امر خواندن و نوشتن، استفاده از تلفن و نوشتن نامه و علاقه به مطالعه در سنین بالا می باشد.

اداره کردن خود؛ توانایی استفاده از پول و قابل اطمینان بودن در این مورد و انجام خریدهای کوچک برای خود و دیگران و احساس مسئولیت در حفظ خود می باشد. اجتماعی بودن؛ به معنی برقراری ارتباط با دیگران از طریق

^۱ - Social Age

^۲ - Calendar Ag

مشارکت در بازیها، مسابقات و اجتماعات و پرورش و تقویت حس اعتماد به نفس در خود و ترویج امور مربوط به دیگران می باشد (پرستار، ۱۳۸۸: ۳).

نتایج پژوهش:

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد که ۵۹/۶ درصد از پاسخگویان شاغل و ۴۰/۴ درصد از پاسخگویان غیر شاغل بودند. ۴۵/۵ درصد از پاسخگویان کودکان ۴-۵ ساله، ۲۹/۶ درصد ۳-۴ ساله، ۲۹/۶ درصد ۲-۳ ساله هستند. بر حسب جنس بیش از نیمی از حجم نمونه دختر یعنی ۵۵/۴ درصد و بقیه پسر یعنی ۴۴/۶ درصد هستند. ۶۰/۱ درصد از پاسخگویان صبح کار، ۳۱/۲ درصد در گردش، ۷/۸ درصد عصرکار، ۰/۹ درصد شب کار هستند. جدول شماره (۱) نشان می دهد که بین ساعاتی که مادر با کودک خود سپری می کند و رشد اجتماعی کودک وی در گروه سنی ۳-۴ سال رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره (۱) بررسی ارتباط بین ساعات حضور مادر در کنار کودک و رشد اجتماعی کودکان

گروه سنی	همبستگی (اسپیرمن)	معنی داری	فراوانی	رشد اجتماعی
۲-۳	-۰/۱۸۹	۰/۲۸۳	۸۵	۷۰/۱٪
۳-۴	۰/۲۵۸	۰/۰۰۰	۹۶	۸۴٪
۴-۵	-۰/۲۲۶	۰/۲۷۶	۱۵۷	۷۳/۵٪

با توجه به اینکه ضریب همبستگی اسپیرمن جدول به ترتیب برابر با -۰/۱۸۹ (گروه سنی ۲-۳)، ۰/۲۵۸ (گروه سنی ۳-۴)، -۰/۲۲۶ (گروه سنی ۴-۵) و معنی داری ۰/۲۸۳ (گروه سنی ۲-۳)، ۰/۰۰۰ (گروه سنی ۳-۴)، ۰/۲۷۶ (گروه سنی ۴-۵) به دست آمده فرضیه H_0 در گروههای سنی ۲-۳ سال و ۴-۵ سال را نمی توان رد کرد زیرا معنی داری هر دو گروه بیشتر از ۰/۰۵ است و این بدان معناست که متغیرهای ساعات حضور پاسخگویان در کنار کودک و رشد اجتماعی کودکان ایشان از یکدیگر مستقلند و با یکدیگر هیچ رابطه ای ندارد اما

در گروه سنی ۳-۴ سال فرضیه H_0 رد شده و این دو متغیر از یکدیگر مستقل نیستند و بین ساعات حضور پاسخگو در کنار کودک و رشد اجتماعی کودکان ایشان رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد و میانگین رشد اجتماعی این گروه سنی ۸۴٪ بوده است که به طور معمول بایستی نمره‌ای بالای ۵۰٪ کسب می‌کردند.

جدول شماره ۲- نشان می‌دهد که شیفت کاری مادران و رشد اجتماعی کودکان ایشان در گروه سنی ۳-۴ سال رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۲- بررسی ارتباط بین شیفت کاری مادران و رشد اجتماعی کودکان

گروه سنی	همبستگی (اسپیرمن)	معنی داری	فراوانی	رشد اجتماعی
۲-۳	-۰/۰۵۰	۰/۱۸۹	۴۶	۵۴/۴٪
۳-۴	-۰/۴۵۲	۰/۰۰۵	۶۶	۴۳٪
۴-۵	۰/۳۹۸	۰/۲۶۱	۱۰۳	۵۷/۷٪

با توجه به اینکه ضریب همبستگی اسپیرمن جدول به ترتیب برابر با $-۰/۰۵۰$ (گروه سنی ۲-۳)، $-۰/۴۵۲$ (گروه سنی ۳-۴)، $۰/۳۹۸$ (گروه سنی ۴-۵) و معنی داری $۰/۱۸۹$ (گروه سنی ۲-۳)، $۰/۰۰۵$ (گروه سنی ۳-۴)، $۰/۲۶۱$ (گروه سنی ۴-۵) به دست آمده فرضیه H_0 در گروه‌های سنی ۲-۳ سال و ۴-۵ سال را نمی‌توان رد کرد و این بدان معناست که متغیرهای شیفت کاری پاسخگویان و رشد اجتماعی کودکان ایشان از یکدیگر مستقلند و با یکدیگر هیچ رابطه‌ای ندارند، زیرا سطح معنی داری دو گروه بیشتر از $۰/۰۵$ است اما در گروه سنی ۳-۴ سال فرضیه H_0 رد شده و این دو متغیر از یکدیگر مستقل نیستند و بین شیفت کاری پاسخگویان و رشد اجتماعی کودکان ایشان رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد و میانگین رشد اجتماعی کودکان این گروه سنی برابر با ۴۳٪ بوده است.

بحث و نتیجه گیری :

کودکان در دوران کودکی، کم کم درک می کنند چه کسی هستند و چه موقع و مقامی در جامعه خود دارند. آنان الگوهای کنش متقابل اجتماعی پایداری با دیگران تشکیل می دهند و قواعد اجتماعی و اخلاقی فرهنگ خود را در هم ادغام می کنند و آن را به صورتی در می آورند که بتوانند به کمک آن به رفتار خود نظم دهند. اینگونه به نظر می رسد که اشتغال مادران و غیبت آنها در محیط خانه و تربیت فرزندان در صورتی که دیگر عوامل مطلوب باشد نه تنها به عنوان یک عامل منفی در رشد کودک محسوب نمیشود بلکه میتواند رشد اجتماعی آنها را تسریع نموده و نقش مثبتی در آن داشته باشد مثلاً خانواده منسجم بوده و رابطه مبتنی بر برابری و همکاری بین زن و مرد برقرار باشد و در ساعات غیبت مادر از خانه، تربیت به دست اشخاصی سپرده می شود که بتوانند نقش خود را به خوبی ایفا نمایند و مادر از شغل خود رضایت داشته باشد و از حمایت عاطفی همسر برخوردار باشد و بتواند با ساعات حضور در خانه، غیبت خود را جبران نموده و روابط عاطفی لازم را با فرزندان برقرار نماید. یافته های تحقیق نشان داد که بیش از نیمی از پاسخگویان شاغل و بقیه غیر شاغل بودند و بیشترین کودکان در گروه سنی ۴-۵ ساله و کمترین در گروه سنی ۳-۲ ساله بودند. بر حسب جنس بیش از نیمی از حجم نمونه دختر و بقیه پسر بودند. نوع شغل بیشتر پاسخگویان کارمند و کمتر پاسخگویان مهندس بوده و تحصیلات بیشتر پاسخگویان دیپلم، و کمترین درصد متعلق به مقطع ابتدایی بود. شیفت کاری بیشتر پاسخگویان صبح کار و کمترین ایشان شب کار بودند. در تحقیقات پیشین کودکان دبستانی و پیشتر مورد مطالعه قرار گرفتند و آنچه مسلم است این تحقیق به دنبال پاسخی مستقیم برای ارتباط شغل مادر و رشد اجتماعی کودکان سنین پیش از دبستان است که با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون فرضیات و با توجه به نظریاتی که در مورد رشد اجتماعی کودکان وجود دارد، می توان اینگونه استنتاج کرد که در سالهای ابتدایی زندگی، کودک نیاز به وجود و حضور مادر دارد و تعداد ساعاتی که مادر با کودک سپری می کند با رشد

اجتماعی وی در رابطه بوده و رشد اجتماعی کودکانی که ساعات بیشتری را با مادران سپری می‌کردند گواه این مطلب است. از آنجا که در گروه سنی ۳-۴ ساله ضریب همبستگی اسپیرمن (۰/۲۵۸) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) می‌باشد، چون سطح معنی‌داری کوچکتر از آلفا (۰/۰۵) می‌باشد پس فرض صفر تأیید نشده و بین دو متغیر رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به اینکه کودک در سالهای ابتدایی نیاز به حضور فیزیکی مادر دارد، مادر نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان رشد اجتماعی کودک دارد. همانگونه که به نظر می‌رسد این رابطه بین دو متغیر وجود دارد و ساعات بودن مادر در کنار کودک مستقل از رشد اجتماعی کودکان نیست. همچنین شیفت کاری مادر می‌تواند یکی از موارد مرتبط با رشد اجتماعی باشد. در گروه سنی ۳-۴ ساله ضریب همبستگی اسپیرمن (-۰/۴۵۲) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۵) می‌باشد، چون سطح معنی‌داری کوچکتر از آلفا (۰/۰۵) می‌باشد پس فرض صفر تأیید نشده و بین دو متغیر رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد کودک در مراحل ابتدایی نیاز به کشف محیط و ابتکار دارد که برای انجام این اعمال نیاز به حمایت فیزیکی و روانی مادر خود دارد این فرضیه هم تأیید شد و همانگونه که به نظر می‌رسد این رابطه بین دو متغیر وجود داشت و شیفت کاری مادر مستقل از رشد اجتماعی کودکان نیست. خانواده در اجتماعی شدن غالب کودکان نقش مهمی ایفا می‌کند ولی همچنان که کودکان رشد می‌کنند، سایر عوامل اجتماعی کردن نیز به تدریج اهمیت می‌یابند. زنان دارای نقشهای متفاوت و گوناگونی هستند. آنان با داشتن نقشهای سه‌گانه فرزند آوری، پرورش و تربیت فرزندان و مدیریت امور خانه، فشارهای روانی بسیاری را متحمل می‌شوند، غالباً ساعات کار زنانی که استخدام شده‌اند با زمانی که ایفای نقش مادری آنان را می‌طلبد، سازگاری ندارد.

عامل دیگری که در زمینه رشد اجتماعی کودکان تاثیر دارد سطح تحصیلات والدین کودک است که می‌تواند تعیین‌کننده نوع شغل باشد و در صورتی که اشتغال مادر همراه با تحصیلات بالا باشد تأثیر منفی بر رشد اجتماعی کودکان ندارد، در گروه سنی ۳-۴ ساله، با توجه به نتایج تحقیق

ضریب همبستگی اسپیرمن (۰/۱۳۰) و سطح معنی داری (۰/۱۹) می باشد، چون سطح معنی داری بزرگتر از آلفا (۰/۰۵) می باشد پس فرض صفر تایید شده و سطح تحصیلات مادران با رشد اجتماعی کودکانشان رابطه ای نداشته است. در واقع اولین چیزی که به ذهن خطور می کند تأثیر منفی اشتغال مادرانی که فرزند کوچک دارند بر رشد اجتماعی کودکان آنهاست. اما با توجه به یافته های تحقیق ارتباط معنی داری بین اشتغال مادران و رشد اجتماعی کودکان ایشان مشاهده نشد با توجه به نتایج تحقیق ضریب همبستگی (۰/۲۳۳) و سطح معنی داری (۰/۲۵) می باشد، چون سطح معنی داری بزرگتر از آلفا (۰/۰۵) می باشد که با تحقیق بیابانگرد همسو و با تحقیق دیگران ناهمسو است. نوع شغل مادران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و ارتباط معنی داری را با رشد اجتماعی کودکان نشان نمی داد و همچنین با توجه به نتایج تحقیق ضریب همبستگی اسپیرمن (۰/۴۵۶-) و سطح معنی داری (۰/۲۳) می باشد، چون سطح معنی داری بزرگتر از آلفا (۰/۰۵) است فرض صفر تأیید شد و دو متغیر تحصیلات مادر و رشد اجتماعی از هم مستقلند. ساعات کار مادران و رشد اجتماعی کودکان ایشان با یکدیگر در ارتباط نبوده و با توجه به نتایج تحقیق ضریب همبستگی اسپیرمن (۰/۰۵۸-) و سطح معنی داری (۰/۲۴) می باشد، چون سطح معنی داری بزرگتر از آلفا (۰/۰۵) میباشد فرض صفر تأیید شد و دو متغیر ساعات کار مادر و رشد اجتماعی از هم مستقلند.

بدین ترتیب ایجاد نشدن هماهنگی و تغییرات لازم برای وفق دادن برنامه ها با ضرورت های مربوط به کار زنان، نه تنها رسیدن به اهداف پیش بینی شده را ناممکن می کند، بلکه وضعیت زنان را از حالت کنونی نیز بدتر خواهد کرد. اما با برنامه ریزی صحیح دولت ها، هم زنان نقش های خود را به خوبی ایفا می کنند، هم در امر توسعه می توانند سهم بسزایی داشته باشند و هم به کودکان ایشان صدمه ای وارد نمی شود. نتایج تحقیق نشان داد کودکانی که در مهد های کودک به سر می بردند از رشد اجتماعی مناسبی برخوردار بودند (میانگین رشد اجتماعی کودکان برابر با ۷۳٪) زیرا مهد های کودک شهر کرمان از امکانات نسبی که سازمان بهزیستی تعیین کرده است، برخوردار بوده اند. به عبارتی

کودکان برای این که نگرشی مثبت به برقراری ارتباط با دیگران داشته باشند، باید از تجارب دلپذیر و خوشایند اجتماعی بهره‌مند شوند و زمانی که الگوهای بزرگسال چون پدر و مادر و مربی، همواره رابطه‌ای صمیمی و عاطفی با کودک برقرار کنند و تعادل اجتماعی را با همراهی و همکاری و بازی و نشاط توأم سازند، آمادگی کودک برای ایجاد ارتباط با دیگران و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی بیشتر می‌شود.

انسان اصالتاً موجودی است اجتماعی و جنبه اجتماعی رشد کودک پایه و اساس زندگی انسانی او را تشکیل می‌دهد. لازمه زندگی اجتماعی، آمادگی روانی، برخورداری از مهارت‌های اجتماعی، اعتماد به نفس و قدرت سازگاری اجتماعی است. بدون تردید از نظر اجتماع مهم‌ترین بعد شخصیت افراد، بعد اجتماعی ایشان است و در یک کلام، خانواده، اساسی‌ترین بستر رشد شخصیت مطلوب کودکان است. والدین کودک، لاقلاً از همان زمان که اندیشه فرزندآوری را در ذهن خود می‌پروراند، کار تربیتی را شروع می‌کنند. همه نگاه‌ها، همه سخن‌ها و همه آنچه به طور مستقیم و غیرمستقیم و ارادی و غیرارادی از آنها سر می‌زند، کتاب درس و سرمشق زندگی کودک و از عوامل مؤثر در تکوین شخصیت و رشد اجتماعی اوست.

پیشنهادها:

- با توجه به دو فرضیه تأیید شده که نشان دهنده رابطه بین شیفت کاری و ساعات حضور مادر در کنار کودک می‌باشد می‌توان این گونه پیشنهاد کرد که:
- مرخصی زایمان برای زنان شاغل بیشتر شود تا بتوانند ساعات بیشتری با کودکان خود سپری کنند.
- میزان ساعات کاری زنان متأهل که دارای کودک پیش از دبستانند، کمتر شود تا بتوانند زمان بیشتری را با کودکانشان سپری کنند.

- شیفت کاری زنان متأهل به گونه ای از طریق سازمانهای دولتی و غیردولتی برنامه ریزی شود تا در ساعاتی که کودک نیاز بیشتری به مادر دارد در کنار او باشد.
- مربیان مهدکودک در جهت ارتقا جنبه های متفاوت رشد کودکان آموزش ببینند.
- مادران، کودکان را در فعالیتهای اجتماعی همچون خرید کردن مشارکت دهند.
- رفاه و آسایش مادران شاغل از طریق سازمانهای دولتی و غیر دولتی و اعضای خانواده تأمین شود.

منابع

- احدی، حسن و بنی جمالی، شکوه السادات (۱۳۷۸)، روان شناختی رشد. تهران: نشر پردیس.
- ال. اتکینسون، ریتا و دیگران (۱۳۸۵)، زمینه روانشناسی هیلگارد. ترجمه محمدنقی براهنی و دیگران. تهران: نشر رشد.
- انجمن جامعه شناسی ایران (۱۳۸۴)، خانواده و حمایت‌های اجتماعی تهران: سایت انجمن جامعه شناسی ایران (www.isa.org.ir)
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۲)، بررسی تاثیرات مهدکودک و مراقبت‌های گروهی بر رشد کودکان. پیوند: نشریه ماهانه آموزشی و تربیتی: شماره ۱۷۲.
- پرستار، علی (۱۳۸۸)، مقیاس رشد اجتماعی واینلند. تهران: شرکت هوش آزمای نوید.
- دلاور، علی (۱۳۸۵)، مبانی نظری و عملی، پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: نشر رشد.
- کاپلان، پاول اس (۱۳۸۱)، روان شناسی رشد سفر پرماجرایی کودک. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: نشر موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشرنی.
- محمدی، صابر (۱۳۸۸)، نقش خانواده در رشد اجتماعی کودکان. تهران: سایت جام جم
- مولاوردی، شهیندخت و دیگران (۱۳۸۴)، زن توسعه حقوق بشر. تهران: نشر دفتر امور بانوان وزارت کشور.
- نوایی نژاد، شکوه (۱۳۸۵)، روانشناسی زن. تهران: نشر علم.
- یارائی، طاهره (۱۳۷۹)، تاثیر اشتغال مادران در پنج سال اول زندگی کودک بر رشد شناختی واجتماعی کودکان دبستانی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

